



MfJ

مجله فقه پزشکی

دوره دوازدهم، شماره چهل و دوم، ۱۳۹۹

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/mf>



مقاله پژوهشی

وضعیت فقهی نجاست و نگهداری از سگ در مذاهب اسلامی

محمد جمالی^{*۱}، مصطفی ذوالفقارطلب^۲

۱. استادیار، گروه فقه شافعی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه شافعی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: سگ یکی از حیوانات با وفایی است که اگرچه در گذشته در برخی از کارها مورد استفاده قرار می‌گرفت، ولی امروزه علاوه بر گستره خدمات بیشتر و مهم‌تر آن، خواسته یا ناخواسته در برخی از خانه‌ها وجود دارد. این موضوع در عصر حاضر سبب شده است که بحث حکم سگ و نگهداری آن در فقه و علم پزشکی و تطبیق آن با زندگی امروز یکی از چالش‌های فرا روی فقه قرار گیرد و فقه پویا باید بتواند با توجه به اصول قطعی شرعی، بین زندگی جدید و بهره‌وری از این حیوان و فقه قدیم، تلفیق ایجاد کرده و راه برون‌رفتی را در مورد تعامل با این حیوان ارائه دهد.

مواد و روش‌ها: پژوهش حاضر بر آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی، موضوع حکم سگ و نگهداری آن را در قالب فقه مذاهب پنج‌گانه با تطبیق بر داده‌های علم پزشکی در مورد این حیوان، مورد بحث و بررسی قرار دهد تا با واکاوی نصوص شرعی و تحلیل فقها و علم پزشکی، حکمی متناسب با حقوق و خدمات این حیوان در عصر حاضر ارائه دهد.

نتیجه‌گیری: جمهور فقها با توجه به نصوصی همچون تعدد شستن ظروف مورد تماس با دهان سگ با روش خاص و انتقال برخی بیماری‌ها به انسان، قائل به حرمت و نجاست آن هستند و برخی دیگر نیز با توجه به اصل پاک بودن اشیاء، واکسیناسیون و انواع تست‌های پزشکی این حیوان، قائل به جواز و پاک بودن آن هستند. به نظر می‌رسد هرچند در شرع به نگهداری از این حیوان تشویق نشده است ولی نادیده گرفتن حقوق آنها و خدماتشان نیز مطلوب شرع نیست. بنابراین باید با توجه به نگاه تعبدی به شستن آثار دهان سگ و دلالت ادبی واژه «بیت» وارده در نصوص دالّ بر منع دخول فرشتگان بر اتاق نه خانه و همچنین داده‌های علم پزشکی در کنترل این حیوان بین نصوص دالّ بر منع نگهداری آن و استفاده از خدماتش، تلفیق ایجاد کرد و نگاه محدود نجاست آن را به نگاهی بازتر تغییر و حکم به عدم نجاست سگ و بهره‌مندی از خدمات آن داد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱/۲۵

واژگان کلیدی:

سگ

مذاهب اسلامی

نجاست

نگهداری

* نویسنده مسؤول: محمد جمالی

آدرس پستی: تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران

پست الکترونیک:

Dm_jamali50@ut.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از چالش‌های زندگی بشر در عصر حاضر، جمع بین آموزه‌های فقهی و فرهنگ جدید است به طوری که در بسیاری از موارد در بین دو امر متعارض قرار می‌گیرد و به ظاهر بین آنچه تا به حال به عنوان یک دستور شرعی از فقه آموخته است با آنچه که در واقع زندگی بدان روبه‌روست متفاوت است و نمی‌تواند بین آنها تلفیقی ایجاد کند، نتیجه آن خواهد شد که یا باید باورهای دینی خود را زیر پا بگذارد و خود را با زندگی و فرهنگ جدید همسو سازد یا اینکه با حفظ اعتقادات دینی، بخواهد به دور از توجه به قوانین، حقوق و فرهنگ جدید زندگی کند که هیچ‌یک از این دو میسر نخواهد بود. آنچه می‌تواند راه‌گشای این مشکلات باشد نگاه نو به متون دینی و برداشت‌های جدید فقهی در پرتو مقاصد شرع است که با حفظ اصول شرع و مقاصد آن، استنباطات فقهی به تناسب شرایط زمانی و مکانی - به عنوان عنصر مهم اجتهاد - صورت پذیرد و بستر پیاده کردن دیدگاه‌های مختلف فقهی در چنین شرایطی فراهم شود.

یکی از چالش‌های امروز خصوصاً در زندگی شهرنشینی، نگهداری سگ در منازل است. سگ حیوانی باوفا و زیرکی است که امروزه علاوه بر اینکه به عنوان یک حیوان خانگی در بسیاری از خانه‌ها نگهداری می‌شود، در بسیاری از کارها همچون ضبط قاچاق و مبارزه با مواد مخدر و کشف جنایات، پیدا کردن انسان‌ها در زیر آوار، حمل سورت‌مه در مناطق سردسیر، وسیله‌ای برای ارسال امانات و حتی مواد غذایی به درب منازل و ... نیز استفاده می‌شود. با توجه به کارایی و بهره‌وری متعدد سگ در جامعه امروزین از سویی و قوانین وضع‌شده در راستای حقوق حیوانات از سویی دیگر، سؤالاتی برای جامع ما مطرح می‌شود که: آیا نصوص قطعی دالّ بر نجس بودن سگ وجود دارد؟ آیا نجاست سگ یک امر تبعیدی است یا خیر؟ با توجه به واکسیناسیون کردن سگ‌ها، حکم نگهداری آن در خانه چیست؟

احکام سگ در منابع فقهی متقدمان به طور پراکنده و بدون پرداختن به احکام پزشکی آمده است. پژوهش‌های مهمی نیز در موضوع احکام سگ در تحقیقات فقهی معاصران از جمله:

«احکام فقهی سگ» نوشته محمد زروندی و شهرام صحرایی و «حکم بیع الکلاب و اقتناءها لحراسة الدور» به قلم محمد شنقیتی انجام گرفته است، اما وجه تمایز پژوهش حاضر با تحقیقات پیشین افزون بر تطبیقی بودن این پژوهش بین مذاهب فقهی، مشتمل بر داده‌ها، آثار و احکام پزشکی و همچنین مسائل نوپیدای مربوط به نگهداری سگ در دنیای مدرن امروز است.

۲. مواد و روش‌ها

این پژوهش بر آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی موضوع حکم نجاست سگ و نگهداری آن را در قلمرو فقه مقارن همراه با دیدگاه پزشکی مورد بررسی قرار دهد تا از این رهگذر پاسخ علمی مبتنی بر داده‌های علم پزشکی به سؤالات فوق ارائه دهد.

۳. یافته‌ها

فقه‌های گذشته در مورد سگ و نگهداری آن دیدگاه‌های مختلفی دارند، گروهی با توقف در مقابل نصوص وارد شده حکم به نجاست آن و تحریم نگهداریش در منزل داده‌اند و برخی دیگر نیز با عبور از این نصوص قائل به پاک بودن سگ و جواز نگهداری آن هستند. با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر، نصوص وارده در مورد سگ نمی‌تواند به قطع، مفید نجاست سگ باشد و به تبع این حکم نمی‌توان قائل به حرمت نگهداری آن در خانه شد و نمی‌توان با این نصوص، فواید، خدمات و حقوق این حیوان در عصر امروز را نادیده گرفت.

۴. نجاست و انواع آن

مهم‌ترین مسأله در این پژوهش، ماهیت نجاست و انواع آن است. به نظر می‌رسد از جمله اسباب اختلاف فقها در احکام مرتبط با سگ، نجاست یا طهارت آن است. همین مسأله سبب شده است که فقها در مورد استفاده از خاک در شستن وسایلی که سگ به آنها دهان زده اختلاف نظر داشته باشند. در ادامه پس از تعریف نجاست، به انواع نجاست اشاره می‌شود.

۴-۱. تعریف نجاست

نجاست در لغت: واژه نجس در لغت، به معنای پلید است و بر هر آنچه که پاک نباشد اطلاق می‌شود (۱-۲). این واژه تنها یک بار در قرآن در سوره توبه در وصف مشرکین وارد شده است. خداوند متعال در آیه ۲۸ سوره توبه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ». مفسرین در معنای این واژه اختلاف نظر دارند برخی از آنان نجاست مشرکین را بر معنای حقیقی و مادی و برخی دیگر بر معنای معنوی تفسیر کرده‌اند (۳-۴).

نجاست در اصطلاح: هرچند فقها با ادبیات متفاوتی به تعریف نجاست پرداخته‌اند، ولی مراد و مقصود همه آنان یکی است. نجاست در اصطلاح آنان عبارت از وصفی شرعی است که به برخی از اشیا تعلق می‌گیرد و وجود آن مانع صحت برخی از عبادات همچون نماز می‌شود. یکی از شروط صحت نماز، پاک بودن بدن، لباس و محل نماز از آن است. در شرع حلال بودن غذا و نوشیدنی مشروط به طهارت آن است (۵-۸).

در علم پزشکی و بهداشت و سلامت، تعریفی خاص از نجاست وجود ندارد زیرا چنان‌که از پیش گذشت نجاست و پاکی اوصافی شرعی هستند و قلمرو علم پزشکی و بهداشت، حوزه شرعی و احکام نیست. در علم پزشکی برای برخی از چیزهایی که سلامت انسان را به خطر می‌اندازد اصطلاح آلوده یا کثیف به کار برده می‌شود. چه بسا چیزهایی در علم پزشکی آلوده و کثیف باشند ولی در شرع صحت عبادات منوط به دوری از آنها نیست. در علم پزشکی و بهداشت محیط: «آلودگی به ورود آلاینده‌ها (مواد شیمیایی، میکروب‌ها) به یک محیط که باعث ناپایداری، اختلال، آسیب یا ناراحتی برای موجودات زنده شود گفته می‌شود». به عبارت دیگر: «آلودگی یعنی حضور مواد آلوده، کثیف و نامطلوب که باعث فساد، تخریب، عفونت و ناپایداری در بدن انسان، طبیعت (محیط طبیعی)، محیط کار و ... می‌شود» (۹-۱۱). بنابراین می‌توان گفت آلوده و کثیف که در عربی از آن به «القدر» یا «الدنس» تعبیر می‌شود برای

هر آنچه که حیات موجودات زنده را به خطر انداخته و نفس انسان از آن نفرت دارد و ناخوشایند او باشد اطلاق می‌شود، خواه آن نجس باشد یا خیر. با این توضیح مشخص می‌شود که بین دو واژه آلوده یا کثیف و نجس نسبت عموم و خصوص مطلق وجود دارد و آلوده و کثیف اعم از نجس است (۱۲).

۴-۲. دیدگاه فقها در مورد اقسام نجاست

فقه‌های مذاهب در مورد تقسیم‌بندی نجاست به اعتبار قوت و ضعف آن دارای دیدگاه‌های مختلفی هستند که تفصیل آن به شرح زیر است:

۴-۲-۱. تقسیم نجاست به مخففه و مغلظه: حنفیه و مالکیه نجاست را به دو دسته مخففه و مغلظه تقسیم کرده‌اند. از دیدگاه ابوحنیفه نجاست مخففه نجاستی هستند که در مورد نجس بودن یا نبودن آن دو نص متعارض وجود داشته باشد و از دیدگاه صاحبین (ابویوسف و محمد بن حسن شیبانی) نجاست مخففه نجاستی هستند که در مورد نجاست آن اختلاف نظر وجود داشته باشد. هرچند تعاریف وارده در این زمینه مختلف است اما می‌توان به یک ضابطه در بین این تعاریف دست یافت و آن اینکه نجاست مورد اختلاف، از اقسام مخففه است خواه منشأ خلاف، نصوص متعارض باشد یا چیز دیگری. از جمله نجاستی که نزد حنفیه مخففه محسوب می‌شوند عبارتند از: بول و سرگین حیوانات حلال گوشت؛ همچون شتر، آب دهان الاغ. حنفیه سایر نجاست از قبیل مدفوع انسان، مزی و ودی، خون، شراب را نجاست مغلظه می‌دانند (۵ و ۱۳).

از دیدگاه مالکیه، نجاست مخففه نجاستی هستند که معفو عنه باشند؛ به طوری که از دیدگاه فقهی پرهیز از آن و پاک کردنش ضرورتی نداشته باشد و مورد تسامح قرار می‌گیرد. برخی از نجاست کم مانند آثار خون بر لباس قصاب، آثار کم نجاست بچه بر لباس مادر شیرده، خون به اندازه یک سکه، نجاست انتقال یافته از طریق مگس و امثال آن بر بدن یا لباس از جمله نجاست مخففه محسوب می‌شوند. از دیدگاه

متفاوت باشد. در این میان، قدر متیقن بین جمهور مذاهب آن است که ظروفی که با دهان سگ و خوک یا فروع آنها نجس شده باشد از سایر نجاسات متمایز هستند بنابراین در تطهیر آن شروط و روش ویژه‌ای وجود دارد.

۵. دیدگاه فقها و علم پزشکی در مورد نجس بودن سگ

در تقسیم‌بندی نجاست به طور خلاصه بیان شد که فقها در مورد شستن متنجسات سگ، به شروط و آداب ویژه‌ای قائل بودند. در این بخش دیدگاه فقها در مورد حکم نجاست سگ بیان می‌شود. فقها در مورد نجس بودن ادرار و مدفوع سگ اتفاق نظر دارند (۱۹، ۱۶، ۱۵ و ۸) ولی در مورد نجس بودن خود سگ دارای دیدگاه‌های مختلفی هستند که به شرح ذیل است:

۵-۱. دیدگاه نجس بودن همه اجزای سگ

شافعیه، حنبله و امامیه سگ را نجس‌العین می‌دانند بنابراین از دیدگاه آنان تمام اجزای آن نجس است (۱۷ و ۲۲-۲۰). این گروه برای دیدگاه خویش به دلایلی استناد کرده‌اند که برخی از آنها به شرح ذیل است:

۱-۵. روایات: قائلین به نجاست سگ به مجموعه‌ای از نصوص ناظر بر تعدد شستن ظروف لیس‌زده شده سگ، نقصان اجر در نگهداری سگ، عدم ورود فرشته به خانه دارای سگ و ... استناد کرده‌اند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

۱. حدیث ولوغ کلب: هرچند فقها در روش و تعداد دفعات شستن نجاست سگ با هم اختلاف نظر دارند ولی یکی از دلایل مهم قائلین به نجاست آن، تعدد در شستن و استفاده از خاک در آن است که جمهور فقها بر آن قائلند و مبتنی بر نصوصی است. از پیامبر - صلی‌الله علیه و آله و سلم - روایت است که: «طَهِّرُوا إِنَاءَ أَحَدِكُمْ إِذَا وَلَغَ فِيهِ الْكَلْبُ، أَنْ يَغْسِلَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ أُولَاهُنَّ بِالتُّرَابِ» (۲۳). در منابع امامیه نیز این روایت با لفظ «وَاغْسِلُهُ بِالتُّرَابِ أَوَّلَ مَرَّةٍ ثُمَّ بِالْمَاءِ» آمده است (۲۴). وجه استدلال به این حدیث آن است که در مورد شستن متنجسات سگ، علاوه بر تأکید بر تعداد دفعات، به استفاده از

مالکیه سایر نجاساتی که پرهیز از آن ممکن بوده و زیاد باشد، نجاسات مغضله محسوب می‌شود (۷ و ۱۴).

۲-۴. تقسیم نجاست به مخففه، مغضله و متوسطه: شافعیه و حنبله نجاسات را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: مخففه، مغضله و متوسطه. مقصود از نجاست مخففه، نجاستی است که برای پاکی و طهارت آن به شستن نیاز نیست بلکه با پاشیدن آب بر آن پاک می‌گردد. مثال بارز این نوع نجاست نزد این گروه، ادرار پسر بچه‌ای است که سن او دو سال کمتر باشد و غذایی جز شیر مادر نخورد. اما نجاست مغضله نزد این گروه، نجاست سگ و خوک یا فرع آنها است. نزد این گروه، شستن این دسته از نجاست باید هفت بار صورت گیرد که یکی از این هفت بار باید با خاک باشد. در نزد شافعیه و حنبله، نجاسات غیر مخففه و مغضله از قبیل: خون، ادرار و مدفوع، چرک و خونابه نجاسات متوسطه به حساب می‌آید (۱۶-۱۵).

در منابع فقهی امامیه حسب اطلاع، چنین تقسیم‌بندی ملاحظه نمی‌شود اما با توجه به چگونگی تطهیر نجاسات در نزد امامیه، در عمل تقسیم سه‌گانه شافعیه و حنبله در نزد آنان قابل استنباط و انطباق است، بدین معنی که در نزد امامیه همچون شافعیه و حنبله، ادرار پسر بچه‌ای که بیش از دو سال نداشته باشد با جاری کردن و پاشیدن آب بر آن، و نجاسات خوک با هفت بار شستن پاک می‌گردد ولی در مورد نجاسات ولوغ سگ هرچند برخی قائل به هفت بار هستند ولی دیدگاه غالب آن است که با خاک مالی و شستن (روی هم سه بار) پاک می‌شود. با توجه به این مطالب، می‌توان گفت هرچند در منابع فقهی تقسیم‌بندی نجاسات به مخففه، مغضله و متوسطه ملاحظه نمی‌شود ولی این دسته‌بندی از توضیحات آنان به دست می‌آید (۱۷-۱۸). بر این مبنا می‌توان گفت نزد آنان ادرار پسر بچه، از نوع نجاست مخففه، نجاست سگ و خوک مغضله و سایر نجاسات متوسط هستند.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان چنین نتیجه گرفت که نزد همه مذاهب، نجاسات در یک سطح نیستند، بلکه دارای قوت و ضعف بوده که این قوت و ضعف سبب شده کیفیت تطهیر آنها

خاک نیز اشاره شده است و این خود دال بر نجاست آن است در غیر این حالت، نه تنها به تعدد شستن و استفاده از خاک در آن نیاز نبود، بلکه به خود شستن نیز امر نمی‌شد. امر وارد شده بر ریختن آب ظرفی که سگ دهان زده باشد پیش از شستن، تأکیدی بر نجاست آن است (۱۶).

در پاسخ به این دلیل گفته شده است که اولاً: روایات وارده در این زمینه مضطرب است زیرا در برخی روایات امری مبنی بر استفاده از خاک وارد نشده است و در روایات وارد شده نیز برخی به استفاده از خاک در بار اول، در برخی یکی از دفعات - بدون تعیین بار اول یا غیره - ذکر شده است. در برخی روایات برخلاف برخی دیگر، امر به ریختن آب ظرف وارد شده است. به همین دلیل، مجموع روایات مضطرب است و قابل احتجاج نیست (۲۵). از سوی دیگر به فرض پذیرش حدیث، چه بسا استفاده از خاک و تعدد شستن امری تعبدی باشد.

۲. برخی از روایات وارده در منابع امامیه، بیانگر نجس بودن آب پسمانده دهان سگ و به تبع دال بر نجس بودن سگ است، از جمله: ابن مسکان روایت می‌کند که «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الْوُضُوءِ مِمَّا وَلَغَ الْكَلْبُ فِيهِ وَالسَّنُورُ أَوْ شَرِبَ مِنْهُ جَمَلٌ أَوْ دَابَّةٌ أَوْ غَيْرُ ذَلِكَ أَوْ يَتَوَضَّأُ مِنْهُ أَوْ يَغْتَسِلُ قَالَ نَعَمْ إِلَّا أَنْ تَجِدَ غَيْرَهُ فَتَنْزَهُ عَنْهُ»؛ یا از ابو بصیر روایت است که: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَيْسَ بِفَضْلِ السَّنُورِ بَأْسٌ أَنْ يَتَوَضَّأَ مِنْهُ وَيُشْرَبَ وَلَا يُشْرَبُ سُورُ الْكَلْبِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ حَوْضًا كَبِيرًا يُسْتَسْقَى مِنْهُ» (۲۴)؛ وجه استدلال به این دو روایت آنکه در این دو روایت، به نجس شدن آب کر به وسیله ولوغ کلب اشاره شده است.

در پاسخ به این استدلال باید گفت روایت اول، به صورت مطلق ذکر شده و بحثی از کر یا زیاد بودن آن نیست از سویی دیگر اگر آب با ولوغ کلب نجس شود استفاده از آن در صورت عدم دسترسی به آب دیگر نیز نباید جایز باشد در حالی که روایت به نوعی اشاره به جواز استفاده از آن را دارد. علاوه بر این، در مورد هر دو روایت باید گفت چنان‌که از پیش گذشت

با توجه به نصوص وارده مبنی بر چندبار شستن این ظروف، چه بسا علت چیزی غیر از نجاست باشد.

۳. روایات تقلیل پاداش به سبب نگهداری سگ: در یکی از روایات مورد اتفاق همه مذاهب، از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - آمده است که: «مَنْ أَقْتَنَى كَلْبًا، إِلَّا كَلَبَ مَاشِيَةً، أَوْ كَلَبَ صَيْدٍ، نَقَصَ مِنْ عَمَلِهِ كُلِّ يَوْمٍ قِيرَاطٌ» (۱۸، ۲۳، ۲۶-۲۷). وجه استدلال به این روایت آن است که در این روایت پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - نگهداری هر سگی جز سگ شکاری و نگهبان را موجب نقصان اجر بیان می‌کنند، و این خود بیانگر نجاست سگ است در نتیجه نگهداری آن گناه محسوب می‌شود چه آنکه گناه موجب نقصان اجر خواهد بود البته در منابع روایی اهل سنت در آخر این روایت لفظ «قیراطان» نیز آمده است.

در پاسخ به این دلیل می‌توان گفت که نقص اجر نمی‌تواند دلیلی بر نجاست چیزی باشد. از سویی دیگر سبب نقصان اجر نه تنها در حدیث ذکر نشده است بلکه علما به مواردی همچون نجاست، نافرمانی در نهی از حفظ و نگهداری آن، عدم ورود فرشتگان به خانه و ... اشاره کرده‌اند که به نظر می‌رسد نزدیک‌ترین سبب و معقول‌ترین آن، عدم ورود فرشتگان به خانه باشد نه نجاست (۲۸).

۴. نصوص ناظر بر امر به کشتن سگ: در یک روایت چنین آمده است که: «أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِقَتْلِ الْكِلَابِ» (۲۳، ۲۶ و ۲۹). قابل ذکر آنکه در منابع امامیه نیز نصوص ناظر بر کشتن سگ با الفاظی همچون «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَى الْمَدِينَةِ فَقَالَ لَا تَدْعُ صُورَةً إِلَّا مَحْوَتَهَا وَلَا قَبْرًا إِلَّا سَوَّيْتَهُ وَلَا كَلْبًا إِلَّا قَتَلْتَهُ» (۱۸) آمده است. وجه استدلال به این روایت آن است که سگ نجس است اگر نجس نبود دستور به کشتن آن داده نمی‌شد.

در پاسخ به این دلیل گفته شده است که اولاً: دستور قتل سگ به صورت عام، ابتدا با نصوص وارده مبنی بر قتل سگ

سیاه سپس با نصوص مبنی بر نهی از کشتن سگ‌هایی که ضرری برای فرد به دنبال ندارند منسوخ شده است (۲۷). ثانیاً: این حکم با روح شریعتی که رحمت است و در موارد مختلفی به رعایت حقوق حیوانات و عدم تعرض به آنها سفارش کرده است همسویی ندارد. بنابراین بهترین توجیه حدیث، همان منسوخ شدن و یا سبب خاص است.

۵. نصوص دال بر عدم دخول فرشتگان به خانه به سبب وجود سگ: به عنوان نمونه از پیامبر - صلی‌الله علیه و آله و سلم - روایت است که جبریل فرمود: «يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا لَا نَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ صُورَةُ إِنْسَانٍ وَلَا بَيْتًا يُبَالُ فِيهِ وَلَا بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ» (۳۰). همین روایت در منابع روایی اهل سنت نیز آمده است که پیامبر - صلی‌الله علیه و آله و سلم - فرمود: «لَا تَدْخُلُ الْمَلَائِكَةُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا تَصَاوِيرُ» (۲۶). یا در روایتی دیگر آمده است که رسول‌الله - صلی‌الله علیه و آله و سلم - توسط دو نفر دعوت شد، آن حضرت دعوت یکی را رد و دیگری را پذیرفت، صحابه علت را سؤال کردند آن حضرت فرمود: «لَأَنْ فِي دَارِكُمْ كَلْبًا» (۱۵)، (۳۱). وجه استدلال به این دسته از روایات آن است که یکی از موانع ورود فرشتگان به خانه، وجود سگ در آن خانه است. نتیجه آنکه سگ نجس و نگهداری آن در خانه جایز نیست.

هرچند علما در تبیین این موضوع و اسباب منع دخول فرشتگان به خانه به دلیل وجود سگ، مواردی از قبیل نجاست، شباهت سگ به شیطان، امراض قابل انتقال از سگ و ... ذکر کرده‌اند (۳۲) ولی آنچه از مجموع این نصوص می‌توان استنباط نمود آن است که فرشتگان از سگ‌ها - به هر دلیلی - تنفر دارند که نتیجه این تنفر عدم دخول آنان و دوری رحمت از چنین خانه‌هایی به دلیل عدم توجه به دستورات شرع می‌باشد. بنابراین نمی‌توان سبب تنفر و عدم دخول فرشته را منحصر در نجاست سگ دانست چه بسا اسباب دیگری در این قضیه دخیل باشند.

نکته قابل تأمل در مورد نصوص مبنی بر عدم دخول فرشتگان در جایی که سگ باشد آن است که در این نصوص از واژه

«بیت» استفاده شده است. در زبان و ادبیات عرب چند واژه وجود دارد که چه بسا با هم تشابهی داشته باشند ولی هریک بر معنای خاصی دلالت دارد (۳۳-۳۴). واژگانی همچون «بیت»، منزل و دار» هرچند همه بر نوعی خانه و محل سکونت دلالت دارند ولی با هم تفاوت معنایی دارند. «بیت» به مکان مسقفی که ورودی داشته باشد اطلاق می‌شود که بنا بر ریشه این کلمه (ب ی ت) بیشتر ناظر بر اتاقی است که شخص در آن بیتوته کرده و محل استراحت اوست که می‌توان معادل فارسی آن را اتاق نامید. «منزل» عبارت از جایی است که مشتمل بر چند اتاق و آشپزخانه باشد و شخص با اعضای خانواده‌اش در آنجا سکونت دارند که معادل فارسی آن خانه می‌باشد. «دار» نیز به محلی که مشتمل بر بیوت و منزل و حیاط باشد اطلاق می‌شود که در فارسی از آن به خانه ویلایی تعبیر می‌شود هرچند در زبان و ادبیات عرب «محلّه» نیز به این اسم نامیده می‌شود (۳۵-۳۶). بر این مبنا، می‌توان گفت که نصوص مبنی بر عدم دخول فرشته، ناظر بر اتاق است؛ برخی از نصوص همچون حدیث وارده در ذیل که بیانگر تأخیر در ملاقات پیامبر اکرم - صلی‌الله علیه و آله و سلم - با جبرئیل است نیز مؤید این معناست. بنابراین می‌توان از این تفاوت معنایی این‌گونه برداشت کرد که فرشتگان در «اتاقی» که سگ باشد وارد نمی‌شوند نه در خانه‌ای که سگ در آن باشد. تفاوت است بین خانه‌ای که در یکی از اتاق‌هایش سگ باشد و بین اتاقی که در آن سگ باشد.

۶. صحابه روایت می‌کنند که روزی پیامبر منتظر ملاقات با جبرئیل بود ولی نازل نشد تا اینکه اشاره به توله سگی کردند که در اتاق وجود داشت ما آن را بیرون بردیم و بر محل آب پاشید. فردای آن روز جبرئیل نازل شد و حضرت علت تأخیر سؤال فرمود جبرئیل در جواب فرمود «لَا تَدْخُلُ بَيْتًا فِيهِ كَلْبٌ وَلَا صُورَةٌ»، فَأَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَئِذٍ فَأَمَرَ بِقَتْلِ الْكِلَابِ» (۲۳). وجه استدلال به این حدیث آن است که پاشیدن آب بر محل به نوعی گویای غیر عادی بودن (نجس)

بودن آنجاست. قابل توجه اینکه برخی از اهل حدیث و لغت «نضح» آب را به شستن معنا کرده‌اند (۳۷-۳۸).

در پاسخ این دلیل نیز باید گفت که اولاً: در معنای «نضح» اختلاف است و معنای غالب همان پاشیدن آب است که اگر سگ نجس باشد نجاست آن با پاشیدن آب پاک نمی‌شود. بنابراین هرچند قسمتی از حدیث - عدم دخول فرشتگان ... - با نصوص صحیح و صریح دیگر همسویی دارد، ولی بخش اول روایت - پاشیدن آب - و قسمت آخر آن مبنی بر قتل سگ - چنان که از پیش گذشت - نمی‌توان به راحتی پذیرفت.

۲-۱-۵. وجود بیماری‌های واگیر و ویروس در سگ: یکی از دلایل مهمی که این گروه به آن استناد کرده‌اند تحقیقات پزشکی دال بر انتقال برخی از بیماری‌ها از سگ به انسان و همچنین آلوده بودن مدفوع آن است. در ادامه به داده‌های علم پزشکی در این باره اشاره می‌شود.

تحقیقات پزشکی نشان می‌دهد که برخی از بیماری‌ها از جمله هاری، پاستورلا مولتوسیدا، بارتونلا هنسله، کاپنوسیتوفاز، تولارمی، ویروس پاروو (Parvo virus)، ویروس دیستمپر (Distemper virus)، کیست هیداتید (Hydatid cyst)، بیماری لایم (Lyme Disease)، لپتوسپیروزیس (Leptospirosis) از جمله بیماری‌هایی هستند که در سگ‌ها موجود و احتمال انتقال آنها از طریق تماس بسیار زیاد است (۳۹-۴۱).

با توجه به تحقیقات صورت گرفته، انتقال این بیماری‌های خطرناک از سگ به انسان وجود دارد و قابل انکار نیست. بنابراین این خود می‌تواند دلیلی بر نجس بودن و حکم به دوری از آن باشد.

در پاسخ به این دلیل باید گفت: هرچند قلمرو علم پزشکی احکام شرعی نیست بلکه تنها وسیله‌ای برای صدور حکم می‌تواند قرار گیرد، کسی منکر داده‌های علم پزشکی در انتقال ویروس و بیماری از سگ به انسان نیست ولی سؤال قابل طرح در این مورد آن است که آیا هر ناقل بیماری و ویروسی نجس

است؟ اگر چنین باشد باید تمامی مریض‌هایی که ناقل ویروس و بیماری هستند نجس باشند که نه دلیلی شرعی و عقلی بر این امر وجود دارد و نه فتوای فقهی معتبری در این زمینه صادر شده است. از طرف دیگر آیا با مراقبت‌های ویژه در واکسیناسیون سگ‌ها، تربیت آنها در کنترل رفت و آمد و دستشویی در مکان خاص و کنترل غذای آنها که به طور دقیق صورت می‌گیرد و این احتمال بیماری و ویروس در سگ‌ها به صفر یا حداقل رسانده است، هنوز باید این مسأله مناط حکم باشد یا با انتقای علت، حکم نیز منتفی خواهد بود؟ به نظر می‌رسد با توضیحات فوق، باید گفت که این دلیل نمی‌تواند به طور قطع به عنوان علت برای حکم نجاست تلقی شود و علت بودن آن محل تردید است و چه بسا انتقال بیماری و ... حکمت حکم نجاست باشد نه علت؛ که این نیز خود محل تردید است. بنابراین، این دلیل نمی‌تواند مستند دقیق علمی و شرعی بر نجس بودن سگ باشد هرچند می‌تواند در حکم حفظ و نگهداری سگ محل توجه قرار گیرد.

۲-۵. دیدگاه نجس بودن برخی از اجزای سگ

حنفیه، سگ را نجس‌العین نمی‌دانند بنابراین قائل به نجس بودن برخی از اجزای آن هستند. از دیدگاه حنفیه دهان و آب دهان سگ نجس است (۱۹ و ۴۲). دلیل این گروه مبنی بر اینکه تنها دهان و آب دهان سگ نجس است بیشتر ناظر بر نصوص ولوغ کلب و امر به شستن ظروفی است که سگ دهان زده باشد و سایر بدن سگ در نصوص بیان نشده است (۱۳). آنان تحقیقات پزشکی دال بر آلوده بودن دهان سگ و آب دهانش را تأکیدی بر مدعای خویش می‌دانند.

دلایل این گروه همان دلایل دیدگاه اول است جز آنکه این گروه این دلایل را منحصر در نجس بودن دهان و آب دهان سگ می‌دانند.

۳-۵. دیدگاه پاک بودن سگ

مالکیه نه تنها سگ را نجس‌العین ندانسته، بلکه قائل به نجس بودن هیچ‌یک از اجزای آن - جز ادرار و مدفوع - نیستند (۷). در

این زمینه ظاهریه و زهری از فقه‌های قدیم نیز با مالکیه هم عقیده‌اند. برخی از دلایل قائلین به طهارت سگ به شرح زیر است.

۱-۳-۵. نصوص قرآن: یکی از آیات قرآن که محل استناد قائلین به طهارت سگ می‌باشد، آیه ۴ سوره مائده است که خداوند می‌فرماید: «فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ». وجه استدلال به این آیه آن است که خداوند به خوردن آنچه توسط سگ شکار می‌شود اجازه داده بدون آنکه دستوری بر شستن محل دهان سگ از شکار صادر شده باشد، این در حالی است که به طور قطع قسمتی از دهان سگ بر شکار تماس خواهد داشت. این عدم دستور به شستن، دال بر طهارت آن است (۷ و ۴۳). در پاسخ به این استدلال گفته شده است که اولاً: این آیه ناظر بر جواز خوردن شکار سگ است و متعرض طهارت یا نجاست سگ و دهان آن نیست، نجاست سگ با ادله دیگر ثابت شده است. ثانیاً: چه بسا آیه به حکم ضرورت بر دفع حرج در شستن، چنین امری را نخواست است. ثالثاً: دیدگاه فقها در مورد حکم شستن محل دهان سگ متفاوت است، برخی از فقها از جمله حنابله، شستن محل دهان سگ را واجب می‌دانند (۴۴).

پاسخ سوم پذیرفته نمی‌شود چه آنکه همین اختلاف در شستن، خود دلیلی بر عدم قطعیت نجاست دهان سگ است زیرا اگر نجاست قطعی بود اختلافی در این زمینه بین فقها وجود نداشت. اما در مورد پاسخ دوم مبنی بر ثبوت نجاست سگ با ادله دیگر نیز هنگام بیان آن ادله مورد بحث قرار گرفت و پس از نقد و بررسی مشخص شد که آن ادله مفید قطع بر نجاست سگ نیست. پاسخ اول نیز با توجه به قاعده «عدم جواز تأخیر بیان از وقت حاجت» (۴۶-۴۵) تضعیف می‌شود زیرا این آیه در صدد جواز یا عدم جواز خوردن شکار حتی محل قرار گرفتن دهان سگ روی شکار است و اقتضا می‌کرد چنانچه منعی در استفاده از آن و در نتیجه نجاست سگ بود باید بیان می‌شد و این عدم بیان دال بر اباحه است. بنابراین با توجه به ایرادات وارده بر استدلال به این آیه و جواب‌هایی که به آنها داده شد نمی‌توان مفهوم آیه مبنی بر عدم نجاست سگ را نادیده گرفت کما اینکه با توجه به نصوص

و ادله دیگر نمی‌تواند دلیلی قوی برای این دیدگاه باشد. با توجه به همین مسأله است که مالک امام مذهب مالکیه می‌گوید: «یوکل صیده، فکیف یکره لعابه؟» (۴۷) (چگونه آب دهانش نجس است در حالی که شکارش خورده می‌شود).

۲-۳-۵. نصوص سنت: قائلین به طهارت سگ به روایاتی استناد کرده‌اند که برخی از آن عبارتند از:

۱. یکی از احادیث محل استناد قائلین به طهارت سگ روایتی است که در آن چنین آمده است: «كَانَتْ الْكِلَابُ تَبُولُ وَتَقْبَلُ وَتَدْبِرُ فِي الْمَسْجِدِ فِي زَمَانِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَلَمْ يَكُونُوا يَرْشُونُ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ» (۲۶). وجه استدلال اینکه عدم شستن محل ادرار و رفت و آمد سگ در مسجد که محل عبادت و نماز است دال بر آن است که سگ نجس نیست (۷ و ۴۸).

در پاسخ به این دلیل، علاوه بر ضعیف بودن آن (۱۵) باید گفت نصوصی قوی برخلاف آن وارد شده است که از جمله این نصوص، احادیث وارد شده در مورد ولوغ کلب است. از سویی دیگر باید گفت: اولاً: عدم وجوب شستن ادرار و محل تماس سگ، در اوائل اسلام بوده است و پس از آن با نصوص ولوغ کلب، شستن واجب شده است. ثانیاً: در مورد نجاست ادرار سگ محل اتفاق و اجماع است چگونه می‌توان به این نص بر عدم نجاست استناد کرد. ثالثاً: چه بسا عدم امر به شستن موارد وارده در حدیث، مبنی بر رفع حرج بوده است خاصه آنکه در آن زمان مساجد فاقد درب و سگ‌ها نیز در همه‌جا رفت و آمد داشتند و منع آنها مشقت‌آور بود. از طرف دیگر می‌توان گفت چه بسا عدم امر مبنی بر شستن، از باب استحاله و طاهر شدن اشیا در اثر نور خورشید و وزش باد بوده است کما اینکه برخی از فقها بر آن قائلند (۴۴).

به نظر می‌رسد هرچند پاسخ دوم مبنی بر اجماع بر نجاست ادرار سگ، با توجه به عدم نجاست ادرار حیوانات جز انسان، همچنین جواز خوردن گوشت سگ نزد برخی از فقها و به تبع آن طاهر بودن ادرار قابل نقد باشد ولی پاسخ اول و سوم به قوت

طهارت سگ، نصوص خاص وجود دارد که از جمله آن نصوص شستن سه بار یا بیشتر از آن است که فقها بر آن قائلند.

۴-۵. دیدگاه راجح

با توجه به نقد و بررسی ادله هر گروه، به نظر می‌رسد به راحتی نمی‌توان برخی از ادله قائلین به نجاست سگ را نادیده گرفت زیرا نصوص مورد استناد ایشان قابل تأویل نیست هرچند نصوص مذکور، دلالت صریحی بر نجاست ندارند. با وجود این، باید گفت تنها چیزی که به قطع می‌توان از این نصوص برداشت کرد آن است که در شرع به گونه‌ای شستن متنجسات سگ محل تأکید قرار گرفته است که نمی‌توان این نصوص را به دلیل مضطرب بودن برخی الفاظش رد کرد بلکه بنابر دیدگاه راجح محدثین و اهل فن در علوم آن، هرگاه نصوص متفاوت و مضطرب باشند با ترجیح یکی بر دیگری - به نحوی از اوجه ترجیح - حدیث محل عمل بوده و غیر قابل انکار خواهد بود. در مورد نصوص ولوغ کلب نیز این ترجیح ممکن بوده و نمی‌توان نصوص را به دلیل اضطراب رد کرد. بنابراین با وجود بری از این نصوص، عادی و معمولی قلمداد کردن سگ نسبت به سایر حیوانات کما اینکه دیدگاه مالکیه بر آن است نمی‌تواند چندان به صواب نزدیک باشد از طرفی دیگر نمی‌توان به طور قطع این تفاوت را در نجس بودن آن دانست بنابراین باید گفت از دیدگاه فقهی و همچنین پزشکی، دستورات مؤکدی بر شستن اشیایی که با دهان سگ به طور خاص و سایر بدنش به طور عام برخورد دارند وارد شده است. عبارت «أَنَّ هَذَا الْحَدِيثَ مُعَلَّلٌ مَقُولُ الْمَعْنَى لَيْسَ مِنْ سَبَبِ النَّجَاسَةِ. بَلْ مِنْ سَبَبِ مَا يَتَوَقَّعُ أَنْ يَكُونَ الْكَلْبُ الَّذِي وَلَغَ فِي الْإِنَاءِ كَلْبًا، فَيُخَافُ مِنْ ذَلِكَ السُّمِّ» (۵۴) ابن رشد در مورد حدیث ولوغ کلب نیز مؤید آن است که شستن این ظروف به سبب نجاست سگ نیست بلکه به دلیل آلوده و میکروبی بودن دهان سگ است و بدین ترتیب عبارت «طَهُورٌ ... أَنْ يَغْسِلَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ أُولَاهُنَّ بِالتُّرَابِ» وارده در حدیث ولوغ کلب که قائلین به

خود باقی است و نمی‌توان به راحتی از آن گذشت. بنابراین این نص نمی‌تواند چندان دلیل قوی برای مدعای این گروه باشد.

۲. یکی دیگر از ادله روائی مبنی بر طهارت سگ، نصوص وارده در مورد پاک بودن سؤر سباع (آب پسمانده درندگان) است. از رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - سؤال شد که: «أَتَتَوَضَّأُ بِمَا أَفْضَلَتِ الْحُمْرُ؟ قَالَ: «نَعَمْ، وَبِمَا أَفْضَلَتِ السَّبَاعُ كُلُّهَا» (۴۹) در روایت دیگر آمده است که از یکی از اصحاب سؤال شد که حوضچه‌هایی که برای آب خوردن شتران درست شده است، حیواناتی دیگر همچون درندگان، سگ و الاغ به آن دهان زده و از آن آب می‌خورند، نظر شما چیست آیا پاکند؟ او در جواب فرمود: «لا يحرم الماء شيء» (۵۰). وجه استدلال به نصوص آن است که آب پسمانده درندگان - من جمله سگ - پاک است و این خود دلیلی بر پاک بودن خود آنهاست.

در مورد روایت دوم نیز باید گفت برخی از این آثار ضعیف هستند، در صورت صحت برخی دیگر، فتوا و دیدگاه صحابی است و اصولیین در مورد حجیت مذهب صحابی اختلاف نظر دارند و برخی بر این قائلند که دیدگاه صحابی حجت شرعی نیست (۵۱). از طرف دیگر علاوه بر این که برخی از روایات دیگر (از جمله نصوص ولوغ کلب) بیانگر خلاف این حکم هستند و برخی نصوص دیگر (از جمله نصوص معروف به قلتین یا دال بر تقسیم آب به کم و زیاد) نیز پاک بودن سؤر را مشروط به زیاد بودن آن دانسته‌اند، این نصوص بیانگر آن است که برخی از صحابه سباع و سگ را نجس می‌دانستند، این امر موجب شده است که برای آنان شبهه حکم سؤر این حیوانات مطرح شود بنابراین این روایات در راستای نجاست آنان است.

۳-۵. قاعده «الأصل في الأشياء الإباحة (الطهارة)»: قائلین به طهارت سگ، قاعده اباحه اصلی و پاکی اشیا (۵۳-۵۲) استدلال کرده و حکم به پاکی سگ داده‌اند.

در جواب این دلیل گفته شده است که عمل به این اصل تا زمانی است که دلیلی برخلاف آن نیامده باشد در مورد عدم

خانواده سست و عاطفه بین اعضای خانواده ضعیف است و بیشتر مردم به زندگی فردی روی آورده و از نعمت فرزند کمتر برخوردارند، برای جبران خلأ عاطفی به حفظ و نگهداری حیوانات از جمله سگ رو آورده‌اند. این در حالی است که در آموزه‌های اسلامی توصیه به صلۀ رحم و حفظ خویشاوندی و تشکیل خانواده است. بنابراین حکم به جواز نگهداری سگ به نوعی گرایش به فرهنگ غربی و دوری از ارزش‌های اسلامی است.

چنان‌که از پیش گذشت این ادله نمی‌تواند دلیلی قاطع بر حرمت نگهداری باشد بلکه این نصوص به گونه‌ای بیانگر تفاوت سگ با سایر حیوانات است که در تعامل با آن باید تأمل کرد. تقلید از فرهنگ غربی نیز حجتی قوی بر این امر نیست چه آنکه از سویی نسبت دادن این کار تنها به غرب خود محل نزاع است؛ وجود سگ در جوامع اسلامی و به‌کارگیری آن گواهی بر این است که این حیوان در همه‌جا بوده و هست هرچند باید اذعان کرد نوع حفظ و نگهداری سگ در برخی جوامع غربی مورد تأیید نیست و از سوی دیگر لازمه غربی یا شرقی بودن یک فرهنگ و تعامل، دلیلی بر بطلان و حرمت آن نیست. لازمه پذیرش این اصل، پشت پا زدن به تجربیات و داده‌های بشر در طول تاریخ است.

۲-۶. دیدگاه کراهت نگهداری سگ

دیدگاه غالب فقهای مالکیه در مورد نگهداری سگ، کراهت است (۵۹). عموم ادله قائلین به این دیدگاه، همان ادله گروه اول است که از مجموعه آن ادله، نهی تنزیهی استنباط کرده‌اند. آنان با توجیه آن ادله بر آنند که هیچ‌یک از این ادله، نمی‌تواند دالّ بر تحریم باشد بلکه حداکثر چیزی که از این ادله می‌توان دریافت، تشویق به خودداری از نگهداری سگ و کراهت آن است.

به نظر می‌رسد این نوع برداشت نسبت به دیدگاه سابق معقول‌تر و به روح نصوص نزدیک‌تر است زیرا از مجموع این نصوص چنین می‌توان برداشت کرد که شرع به اموری که در آن فایده‌ای نباشد نه‌تنها تشویق نکرده بلکه به نوعی از آن نهی کرده است اما این مسأله به معنای نجاست سگ و حرمت نگهداری آن نیست و تا زمانی که به حرامی منتهی نشود حرام و ممنوع نمی‌باشد.

نجاست سگ بدان استناد کردند با این توجیه حل و برشتن ظرف، به خاطر میکروب و ویروس حمل می‌شود نه نجاست. در نتیجه باید گفت رعایت نکات بهداشتی در زمینه برخورد با سگ از دیدگاه فقهی و پزشکی ضروری است و در تعامل با این حیوان باید منصفانه برخورد کرد به گونه‌ای که از طرفی نباید نگاهی بسته مبتنی بر نجس بودن و کشتن این حیوان وجود داشته باشد و از سویی دیگر نباید به عنوان یک فرد از افراد خانواده با آن تعامل کرد به طوری که در تمام زندگی ما حضور داشته باشد بلکه با رعایت حقوق آن از خدماتش استفاده شود.

۶. حکم نگهداری سگ در خانه

فقها در مورد جواز نگهداری سگ هنگام نیاز اتفاق نظر دارند. آنان این نیاز را به اموری همچون پاسبانی و شکار محدود کرده‌اند (۱۶، ۵۸-۵۵). اما برخی از فقهای مالکیه دایره استفاده و نیاز از سگ را گسترده‌تر دانسته و نگهداری از آن را برای تحصیل هر نوع منفعتی و دفع هر ضرری جایز می‌دانند (۵۶). به نظر می‌رسد در این زمینه محدود کردن نیاز به مسائلی همچون پاسبانی و شکار چندان با فقه پویا همسویی نداشته باشد، زیرا نیاز و حاجت در شرایط زمانی و مکانی مختلف، متفاوت است چنان‌که امروزه تعلیم و آموزش سگ برای پیدا کردن و نجات انسان‌های مدفون در زیر آوار و رساندن مایحتاج زندگی به انسان‌های محبوس از مصادیق نیاز می‌باشد. بنابراین در این زمینه باید گفت نگهداری سگ برای رفع نیازمندی‌های مشروع همچنین دفع ضررهای غیر مشروع جایز باشد.

اما فقها در مورد نگهداری سگ در غیر موارد نیاز، اختلاف نظر داشته و در این زمینه دارای دو دیدگاه متفاوتند:

۱-۶. دیدگاه حرمت و عدم جواز نگهداری سگ

جمهور فقها در مورد حفظ و نگهداری سگ در غیر موارد نیاز، اصل را بر تحریم قرار داده و آن را جایز نمی‌دانند (۱۶، ۵۸-۵۵). مجموعه ادله آنان در این زمینه، همان ادله سابق قائلین به نجاست سگ می‌باشد افزون بر آن، این گروه بر آنند که نگهداری سگ در خانه، برگرفته از فرهنگ غرب است. در غرب چون کانون

۳-۶. دیدگاه جواز نگهداری سگ

برخی از فقهای مالکیه نیز قائل به جواز آن بدون کراهت هستند (۵۶). این گروه برای قول خود علاوه بر پاسخ دادن به ادله دو دیدگاه سابق، به جواز و اباحه اصلی استناد کرده‌اند و بر این باورند که با رد ادله حرمت، حکم بر اباحه و جواز باقی می‌ماند.

در زمینه این دیدگاه نیز باید گفت برخی از ادله در تفاوت نگاه شرع به سگ نسبت به سایر حیوانات صراحت دارد و قائلین به این دیدگاه پاسخی صحیح مبتنی بر شرع و عقل به این نصوص نداده در حالی که نصوص مورد استناد مخالفین، به آسانی قابل رد نیستند بنابراین نمی‌توان این دیدگاه را پذیرفت. از نظر علم پزشکی - چنان‌که از پیش گذشت - هرچند سگ حامل و ناقل برخی ویروس‌ها و بیماری‌هاست ولی با مراقبت‌های خاص و ویژه‌ای که در امر تغذیه، واکسن و تربیت سگ‌ها امروزه صورت می‌گیرد بخش عمده‌ای از این مشکل قابل پیشگیری و به تعبیر دیگر منتفی است. بنابراین با وجود اینکه قلمرو علم پزشکی خارج از محدوده حلال و حرمت است ولی داده‌های علم پزشکی می‌تواند در بررسی مناطق حکم مؤثر باشد. از لحاظ علم پزشکی، چنانچه امور بهداشتی مراعات شود، آلودگی و انتقال این نوع بیماری‌ها قابل کنترل است و منعی بر نگهداری سگ از این ناحیه نمی‌تواند وجود داشته باشد (۶۰).

۴-۶. دیدگاه راجح

با توجه به نقد و بررسی ادله در دو بخش نجاست سگ و حکم نگهداری آن باید گفت نجاست سگ امری قطعی نیست که بتوان به استناد به آن حکم به عدم جواز نگهداری آن داد. از طرفی دیگر نصوص متعددی نیز دالّ بر تفاوت آن با سایر حیوانات در شستن ظروف دهان زده‌اش و همچنین عدم دخول فرشته به خانه‌ای که سگ وجود داشته باشد، پیش‌رو است که قابل تأویل نیست. هرچند نگهداری سگ در خانه محل تشویق شرع نبوده بلکه به گونه‌ای از آن نهی شده است

که این نهی نمی‌تواند به طور قطع مبتنی بر نجاست آن باشد. با توجه به معنای «بیت» و تفاوت آن با سایر واژگان، باید گفت حداکثر مفهومی که می‌توان از آن برداشت کرد آن است که وجود آن در اتاق مانع نزول رحمت است اما اگر در اتاقی جدا در خانه باشد ذیل شمول این نصوص قرار نمی‌گیرد چنان‌که نصوصی در این زمینه مؤید این معناست.

۷. نتیجه‌گیری

۱. فقها در مورد نجس یا پاک بودن سگ اختلاف نظر دارند، جمهور مذاهب اهل سنت و امامیه به نجاست و مالکیه به پاک بودن آن قائلند. با توجه به نقد و بررسی ادله به نظر می‌رسد نصوص وارده در این زمینه نمی‌تواند دلیلی قطعی بر نجاست سگ باشد.
۲. نصوص دالّ بر شستن ظروفی که با دهان سگ تماس دارد هرچند نصوص صحیح هستند ولی به نظر می‌رسد روش خاص در شستن این ظروف، مبتنی بر تعبد باشد خاصه آنکه روش شستن و تعداد دفعات آن، خود محل اختلاف فقهاست.
۳. با توجه به واژه وارد شده در نصوص مبنی بر عدم دخول فرشتگان به مکان‌هایی که در آن سگ وجود دارد، باید گفت مفهوم «بیت» در این نصوص اتاق است نه مطلق خانه.
۴. علم پزشکی با تأکید بر انتقال برخی از بیماری‌ها از سگ به انسان، با کنترل غذا و واکسیناسیون کردن آنها، هرچند نمی‌تواند مدعی از بین بردن تمام میکروب و انگل‌های موجود در آن باشد ولی این امر را تا حدود زیادی کنترل کرده است. از دیدگاه فقهی، مجرد وجود میکروب و انگل در سگ و ناقل بیماری بودن آن، نمی‌تواند دلیلی بر نجاستش باشد.
۵. با توجه به نصوص وارده در زمینه سگ و تحقیقات پزشکی و بهداشتی مبنی بر انتقال برخی از بیماری‌ها از سگ به انسان، نگهداری آن در خانه محل تشویق شرع نیست ولی این مسأله نمی‌تواند دلیلی بر نجس بودن سگ و مانعی بر استفاده از خدمات آن باشد.

References

1. Ibn Fares A. Mo'jam maqayis al-logha. 1st ed, Beirut: Daro al-fekr; 1399. Vol. 5, p. 393. [In Arabic]
2. Ibn Manzour M. Lisan al-Arab. Cairo: Dar al-maarif; no date. Vol. 6, p. 4352. [In Arabic]
3. Fakhr al-din Razi M. Mafatih al-ghayb; 3rd ed. Beirut: Dar al-turath al-arabi. 1420. Vol. 16, p. 20. [In Arabic]
4. Zamakhshari M. al-kashaf an al-haqaeq ghawamez al-tanzil; 3rd ed, Beirut: Dar al-alkitab al-arabi. 1407. Vol. 2, p. 261. [In Arabic]
5. Ibn abedin M. Rad al-mokhtar ala al-badr al-mokhtar; 2nd ed. Beirut: Dar al-fekr; 1412. Vol. 1, p. 85, p 8. [In Arabic]
6. Heitami A. Tohfa al-mohtaj fi sharh al-menhaj; Egypt: Al-maktabat al-tejareya al-kobra; 1357. Vol. 1, p. 66. [In Arabic]
7. Hatab M. Mavaheb al-jalil; 3rd ed. Beirut: Dar al-fikr; 1412. Vol. 1, p. 43, p. 91, p. 146, p. 175, p. 419. [In Arabic]
8. Dezfooli M. Kitab al-tahar; 1st ed. Qom: Conference on honoring Sheikh Azam Ansari; 1415. Vol. 5, p. 19. [In Arabic]
9. "Contaminate". Merriam-Webster Dictionary. Retrieved 11 april 2019. [In English]
10. Donovan, R.P. (2001). "1. Introduction". In Donovan, R.P. (Ed.). Contamination-Free Manufacturing for Semiconductors and Other Precision Products. CRC Press. pp. 1-3. ISBN 9780824703806. [In English]
11. Ramstorp, M. (2008). "2.Contaminants". Introduction to Contamination Control and Cleanroom Technology. John . [In English]
12. Manawi M. al-toqif ala mohemat al-taarif; 1st ed. Cairo. 1410. Vol1, p. 174. [In Arabic]
13. Baberti M. al-enaya sharh al-hedaya; Beirut: Dar al-fikr; no date. Vol. 1, p. 204, p. 109. [In Arabic]
14. Khorashi M. Sharh mokhtasar Khalil; Beirut: Dar al-fekr; no date Vol. 1, p. 105. [In Arabic]
15. Nawawi Y. al-majmoo sharh al-mazahab; Beirut: Dar al-fikr. No date. Vol. 1, p. 151, p. 173. vol. 2, p. 567. [In Arabic]
16. Ibn Qodama A. al-moghni; Cairo: al-maktaba al-qahera. No date vol. 1, p. 39, Vol. 2, p. 62, p. 204. [In Arabic]
17. Najafi M. Jawahir al-kalam; 1st ed. Qom: Daera al-maarif fiqh Islami bar mazhab ahl beyt. 1421. Vol. 1, p. 98, Vol. 3, p. 412, Vol. 3, p. 550, Vol. 3, p. 246. [In Arabic]
18. Ameli h. tafsil vaseail al shiat ila tehsil al masaeil al sharyat; 1st ed. Qom: moasesa al al-albayt .1410. Vol. 3, p. 209. [In Arabic]
19. Kasani, A. Bada'ea al-sanaa'ea; Beirut: Dar al-kotob al-elmiya. Vol. 1, p. 61, p. 74. [In Arabic]
20. Mavardi A. al-havi al-kabir; 1st ed. Beirut: Dar al-kotob alelmiya. 1419. Vol. 1, p. 350. [In Arabic]
21. Mardavi A. al-insaf fi marefa al-rajehe men al-khelaf; Beirut: Dar ehya al-turath al-arabi. No date. Vol. 1, p. 310. [In Arabic]
22. Helli H. Tazkerat al-foqaha; 1st ed. Qom: Al al-beit alayhum al-salam organization. 1414. Vol. 1, p. 66. [In Arabic]
23. Nawawi Y. al-mosnad al-sahih al-mokhtasar Moslim ibn al-hojaj; Beirut: Dar al-ehya al-turath al-arabi. N.d. N.91-279, N.82-2105. [In Arabic]
24. Ameli M. Wasa'il al-Shia; 1st ed. Qom: Moasasat al-bayt. 1409. Vol. 1, p. 226. [In Arabic]
25. Khattab M. al-manhal al-azab al-mored besharh sonan al-imam abi davoud; 1st ed. Cairo: al-isteqama publication. 1351. Vol. 1, p. 255. [In Arabic]
26. Bokhari. Vol. 7, p. 167. (5949) (174). [In Arabic]
27. Nawawi Y. al-menhaj sharh sahih al-moslim; Beirut: Dar al-ehya al-turath al-arabi. 2nd ed. 1392. Vol. 10, p. 235. [In Arabic]
28. Shokani M. Neyl al-otar; 1st ed. Egypt: Dar al-hadith. 1413. Vol. 8, p. 145. [In Arabic]
29. Ehsayi M. Avali al-layali al-aziziya; 1st ed. Qom: 1405. Vol. 1, p. 149. [In Persian]
30. Koleyni, M. al-kafi. 4th ed. Tehran: Dar al-kotob al-islamiya, 1407. Vol. 6, p. 528. Vol. 3, p. 393 Vol. 13, p. 304. [In Arabic]
31. Sheybani A. Masnad al-Imam ahmad ibn hanbal; 1st ed. Cairo: Dar al-hadith. 1416. Vol. 8, p. 283. [In Arabic]
32. Dehlawi V. Hojjat Allah al-balegha; 1st ed. Beirut: Dar al-jalil. 1426. Vol. 1, p. 314. [In Arabic]
33. Askari. H. al-talkhis fi marefa asma al-ashya; Damascus: Dar talas lidarayat wa al-tarjima. 1996. Vol. 1, p. 169. [In Arabic]

34. Qal'aji M. Mo'jam loghat al-foqaha; 2nd ed. Beirut: Dar al-nafae 1408. Vol. 1, p. 112. [In Arabic]
35. Kafawi. A. al-koliyat mo'ajam fi al-mostalahat wa al-forooq al-loghaviya. Beirut: Moasasat al-risala. No date. Vol. 1, p. 239. [In Arabic]
36. Tahanawi. M. Moso'at kashaf estelahat al-fonoon wa al-ooloom. Beirut: Library of Nasheroon. 1996. Vol. 1, p. 351. [In Arabic]
37. Tahawi A. Sharh mani al-athar; 1st ed. Riyadh: Alam al-kotob. 1414. Vol. 1, p. 53. [In Arabic]
38. Ibn Athir M. al-nehaya fi gharib al-hadith; al-athar; 1st ed. Beirut: al-maktaba al-elmiya. 1399 Vol. 5, p. 70. [In Arabic]
39. Amiri K. Bahraini K. barname dastoor al-amalhayejrayi behdasht va modiriyat bimarihayej dami; 1st ed. Tehran: Sazman dampezeshki keshvar. 1399, p. 119, p. 533. [In Persian]
40. Katagiri S., Oliviera-Sequeira T. Prevalence of zoonotic infection by dog intestinal parasites and risk perception of zoonotic infection by dog owners in sao Paulo state, Brazil. Zoonoses and public health. 2008; 55(8-10):406-13. [In English]
41. Talan DA, citron DM, Abrahmian FM, Moran GJ, Goldstein Ej. Bacteriologic analysis of infected dog and cat bites. New England Journal of Medicine. 1999; 340 (2): 85-92. [In English]
42. Eyni M. al-benaya sharh al-hedaya. 1st ed. Beirut: Dar al-kotob al-elmiya. 1420. Vol. 1, p. 469. [In Arabic]
43. Marezi M. Sharh al-talqin; 1st ed. Tunis: Dar al-qarb al-Islami. 2008. Vol. 1, p. 233. [In Arabic]
44. Debyan M. Moso'at Ahkam al-tahara, Riyadh: Library of Roshd. 2nd Ed. 1426. Vol. 13, p. 103, p. 106. [In Arabic]
46. Ghazali M. al-mostasfa; 1st ed. Beirut: Dar al-kotob al-elmeya. 1403. Vol. 1, p. 192. [In Arabic]
46. Helli M. Izah al-fawaed fi sharh al-moshkelat al-qawaed; 1st ed. Qom: Mossase esmaileyan. 1387. Vol. 1, p. 12. [In Arabic]
47. Malek M. al-modawana; Beirut: Dar al-kotob al-elmeya. 1st Ed. 1994. Vol. 1, p. 116. [In Arabic]
48. Ibn Hazm A. al-mohala belathr; Beirut: Dar al-fekr. No date. Vol. 1, p. 120. [In Arabic]
49. Beihaqi A. al-sonan al-kobra; 3rd ed. SBeirut: Dar al-kotob al-elmiya. 1424. Vol. 1, p. 377. [In Arabic]
50. Ibn Abi Sheyba A. al-kitab al-mosanaf fi ahadith va al-athar; 1st ed. Riyadh: Msktbat al-roshd. 1409. Vol. 1, p. 132. [In Arabic]
51. Amodi A. fi Osool al-ahkam; Beirut: al-maktab al-Islami. No date. Vol. 2, p. 33. [In Arabic]
52. Homawi A. Ghamz oyoon al-basaer fi sharh al-ashbah wa al-nazaer; 1st ed. Beirut: Dar al-kotob al-elmeya. 1405. Vol. 1, p. 223. [In Arabic]
53. qazi M. Mosoat al-qawaeid al-feqhiya; 1st ed. Beirut: Moassat al-risala. 1424. Vol. 1, p. 77. [In Arabic]
54. Ibn Roshd M. Bedayat al-mojtahid wa nehayat al-moghtasid; Cairo: Dar al-hadith. 2004. Vol. 1, p. 37. [In Arabic]
55. Damad Afandi A. Majma al-anhor fi sharh moltaqa al-abhor; SBeirut: Dar al-ehya al-turath al-arabi. No date. Vol. 2, p. 108. [In Arabic]
56. Gharnati M. al-taj va al-eklil, al-mokhtasar Khalil; 1st ed. Beirut: Dar al-kotob al-elmeya. 1416 Vol. 6, p. 70. [In Arabic]
57. Sherbini M. Moghni al-mohtaj; 1st ed. Beirut: Dar al-kotob al-elmiya. 1415. Vol. 2, p. 342. [In Arabic]
58. Toosi M. al-mabsoot fi fiqh al-emamiya; 3rd ed. Tehran: al-maktaba al-mortazaviya leehya al-turath al-jafariya. 1387. Vol. 2, p. 166. [In Arabic]
59. Adwi A. Hashiyat al-arwi ala sharh kifayat al-talib al-rabani; Beirut: Dar al-fekr. 1414. Vol. 2, p. 495. [In Arabic]
60. Sarah S. Long, Larry K. Pickering, Charles G. Principles and Practice of Pediatric Infectious Disease; 3rd ed. London: Elsevier. 2008. Vol. 1, p. 530. [In English]



MfJ

Medical Fighh Journal

2020; 12(42): e9

Journal Homepage: <http://journals.sbm.ac.ir/en-mf>



ORIGINAL RESEARCH

The jurisprudential status of impurity and keeping dog in Islamic religions

Mohammad Jamali^{1*} , Mostafa Zolfaghartalab²

1. Assistant professor, Shafi'i Jurisprudence Department, Faculty of Theology and Islamic Studies, Tehran University, Tehran, Iran.

2. Assistant professor, Shafi'i Jurisprudence Department, Faculty of Theology and Islamic Studies, Tehran University, Tehran, Iran

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 15 November 2020

Accepted: 21 December 2020

Published online: 13 April 2021

Keywords:

Dogs

Islamic religions

Impurity

keeping

* Corresponding Author: Mohammad Jamali

Address: Faculty of Theology and Islamic Studies, Tehran University, Tehran, Iran.

Email: Dm_jamali50@ut.ac.ir

ABSTRACT

Background and Aim: Dog is one of the loyal animals that was used in the past in some jobs. Today, not only its services are vaster and more important, but also intentionally or unintentionally, it exist in some houses. In the present era, dog and its keeping and its adaptation to today's life is one of the challenges in jurisprudence and medical science and dynamic jurisprudence should be able to combine the new life and productivity of this animal with the old jurisprudence, according to the definite principles of Sharia, and provide a solution for interaction with this animal.

Materials and Methods: The descriptive and analytical present study intends to discuss the subject of dog and its keeping in jurisprudence of the five religions in adaption with medical science data about this animal in order to provide a ruling commensurate with its rights and services with help of religious texts and jurists' analysis and medical science.

Conclusion: The majority of the Jurists according to texts such as frequent washing the dishes which are in contact with dog's mouth in a special way and the transmission of some diseases to human, believe in its impurity, and others according to the principle of cleanliness of objects, vaccinations and various medical tests say that it is clean and permitted. It seems that although the keeping of this animal is not encouraged in the Shari'a, ignoring their rights and services is not desirable. Therefore, according to the devotional view of washing the dog's mouth and the literary meaning of the word "beit" in the texts indicating the prohibition of angels entering the room, not the house, as well as medical science data in controlling this animal, we should combine texts prohibiting its keeping with the use of its services and change the limited view of impurity to a wider view and the rule that the dog is not impure and benefit from its services..

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Jamali M, Zolfaghartalab M. The jurisprudential status of impurity and keeping dog in Islamic religions. *Med Fighh J* 2020; 12(42): e9.